

خطبه نماز جمعه مسجد امام علی (ع) هامبورگ  
امام مسجد و مدیر مرکز اسلامی هامبورگ  
حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا رضائی

تاریخ : جمعه ۲۹ مای ۲۰۰۹ برابر با ۸ خرداد ۱۳۸۸  
مطابق با ۴ جمادی الثانی ۱۴۳۰

مکان:

*Islamisches Zentrum Hamburg*  
*Schöne Aussicht 36*  
*22085 Hamburg*  
*Tel: 040/ 22 12 20*

موضوع: قرآن شناسی ۵ - حکمت تلاوت قرآن

«باسمه تعالی شانه»

یکی از وظایفی که در قرآن برای پیامبر اکرم (ص) ذکر شد تلاوت آیات الهی برای مردم است « **یتلو علیهم آیاته** » و هر مسلمانی نیز برای اینکه با قرآن انس بگیرد باید قرآن را تلاوت کند و آداب و احکام نسبت به آنرا رعایت نماید و البته تلاوت قرآن ضمن آنکه احکام و آدابی دارد از حکمت خاص نیز برخوردار است در حکمت تلاوت گفته اند به گونه ای قرآن را باید تلاوت کرد که معبود را مشاهده نماید چون قرآن تجلی حقتعالی است و باید قلب و جان خویش را به گونه ای مهیا سازد که متجلی را هنگام تلاوت مشاهده نماید و این نکته بسیار مهم است که هنگام تلاوت احساس حضور و شهود و نزدیکی نماید . با چنین قرب و نزدیکی هیچگاه انسان احساس وحشت و اضطراب نخواهد نمود چه اینکه از امام سجاد (ع) نقل شده که فرمود « **لومات من بین المشرق و المغرب لما استوحشت بعد**

ان يكون القرآن معي<sup>۱</sup>. اگر همهء مردمی که بین مشرق و مغرب عالم وجود دارند از بین بروند و کسی روی زمین نباشد و من تنها باشم، اگر قرآن با من باشد هرگز احساس وحشت نمی کنم» پس زمانی که انسان با تلاوت قرآن با چشم دل صاحب تجلی را مشاهده کند به حکمت تلاوت قرآن رسیده است و همین حکمت در عبادت هم بیان شده به این معنا که عابد در عبادت، ، معبود را در ضمیر خود مشاهده نماید البته تلاوت هم نوعی عبادت است و این حقیقت می تواند برای کسی که به تلاوت آیات مشغول می باشد تحقق یابد و بسیار واضح و روشن است که هر چه معرفت و شناخت انسان و آمادگی روحی بیشتر باشد این احساس حضور و شهود بیشتر برای انسان بدست می آید.

و برای اینکه انسان مؤمن به این حکمت که مشاهدهء متکلم و معبود است نائل شود باید فقط حق را دوست داشته باشد و غیر حق را در دل راه ندهد و در این صورت هیچگاه نگران و مضطرب نخواهد بود امام حسن (ع) در دعای عرفه می فرماید: آن کس که تو را نیافت چه چیز یافته و آن کس که تو را یافت چه چیز را نیافته؟ و قطعاً هرکسی که به جای تو به دیگری تن دهد و دیگری را برگزیند خسارت دیده است " **مَاذَا وَجِدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ. لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا** " و در حالات امام سجاد (ع) وارد شده که " **كَانَ « عَلَيْهِ السَّلَام » إِذَا قَرَأَ « مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ » يَكْرُرُهَا حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ** " <sup>۲</sup> آن حضرت هرگاه آیهء « مالک یوم الدین » را تلاوت می کرد آنقدر تکرار می کرد که نزدیک بود جان از بدنشان مفارقت کند .

علی (ع) دربارهء تجلی خداوند بر قرآن فرمود : " **فَتَجَلِي لِهِمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَاوَهُ** " <sup>۳</sup> یعنی خدای تعالی در این کتاب برای بندگانش تجلی کرده و آنان کتاب خدا را می نگرند و می خوانند اما خدا را نمی بیند.

تجلی از زیباترین و ظریفترین تعبیرات در فرهنگ غنی اسلام است و معنای آن این است که خدای بزرگ حقیقتی را از جهان غیب تنزل داده ، پایین می آورد و برای ما تبیین می کند و واضح است که تجلی غیر از تجافی است زیرا قرآن که در ماه رمضان نازل شد، در عین حال که حقیقت آن نزد خدا همیشه خواهد بود رقیق شده و تنزل کرده و به صورت

1 کافی ج ۲ ص ۶۰۲  
2 کافی ج ۲ ص ۶۰۲  
3 نهج البلاغه خطبه ۱۴۷

لفظ درآمده تا انسان بتواند آن را تلاوت کند و مورد استفاده قرار دهد و اما تجافی آنست که وقتی پایین می آید دیگر بالا نیست مثل باران زیرا وقتی که باران نازل می شود و می بارد زمانی که بالا است دیگر پائین نیست و وقتی پائین است بالا نیست.

از نمونه های تجلی می توان تجلی ملک الموت را یاد نمود که برای محتضر تجلی می کند در عین حال که در جایگاه رفیع خود می باشد و در تعبیر معصوم (ع) آمده که فرمود: " تجلی ملك الموت يقبضها من حجب الغيوب ، و رماها عن قوس المنايا بأسهم وحشة الفراق " <sup>۴</sup> « روزی که فرشته مرگ ، عزرائیل از پشت پرده های غیب برای قبض ارواح متجلی شود» ، سپس امام فرمود خدایا در آن روز به ما رحم کن .

و از نمونه های دیگر تجلی در قرآن درباره حضرت موسی (ع) می باشد که خدای متعال می فرماید " فلما تجلی ربّه للجبل جعله دكًا و خرّ موسى صعقا " <sup>۵</sup> آنگاه که نور تجلی خدا بر کوه تابش کرد آن را متلاشی ساخت و موسی بی هوش افتاد.

پس کسی که قرآن را تلاوت می کند باید سعی کند به حکمت و باطن هنگام تلاوت دسترسی پیدا کند در این هنگام است که با فرشتگان که سفرای الهی هستند محشور خواهد شد چه اینکه در روایتی آمده است که معصوم فرمود :

" الحافظ للقرآن العامل به مع السفارة الكرام البررة " <sup>۶</sup>

عظمتی که برای قرآن کریم ذکر شده نشانگر آن است که باطن قرآن در قیامت از صف مسلمانان ، پیامبران ، فرشتگان ، علماء و شهداء مانند انسانی نورانی با چهره ای روشن از کنار همه می گذرد که هنگام عبور هر گروهی می گویند ما او را می شناسیم او از ماست ولی از همه آنها می گذرد تا به پیشگاه خدای عزوجل می رسد. و به همین جهت این قرآن کسانی را که جایگاه و حرمت آنرا حفظ کردند شفاعت می کنند و شفاعتش هم نزد خدای بزرگ پذیرفته می شود. از اینرو مواجهه ما با قرآن باید بسیار مؤدبانه و محترمانه باشد و همواره باید سعی کنیم خود را به قرآن عرضه کنیم که اگر میان روح و جان ما با قرآن سنخیت و هماهنگی برقرار شد معلوم می شود که آن شخص جایگاه خوبی دارد و در

4 صحیفه سجادیه دعای ۴۲

5 اعراف آیه ۱۴۳

6 کافی ج ۲ ص ۶۰۳

صورتیکه ناهماهنگی و ناهمگونی میان روح و جان ما با قرآن بود روشن می شود که مرتبتی در نزد خدای متعال نداریم و باید بیشتر به فکر تفکر و عمل بر طبق دستورات قرآنی باشیم تا روح و زندگی خود را قرآنی نمائیم. خدای متعال ما را با قرآن و عترت که مورد سفارش پیامبر اکرم (ص) می باشد محشور فرماید .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته